

تماشاخانه

مهدی عزیزی | کارتنیست | mehdi.azizart@hotmail.com



«الاصالح» زن مشهور این روزهای سودان



توی دنیای پر از اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»

پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هفتصد و هفتاد و سوم



😊 وکیل مر جان شیخ الاسلام: موکلم نه تنها جر می مر تکب نشده بلکه خدمات شایسته‌ای هم انجام داده

فرهنگستان لغت: دیگه اجازه بدید این خدمتگزاری رو با «ظ» بنویسم!

◀ مردم: کلک‌ها، اسمش رو عوض کردید؟!
◀ خانواده متهم: راست می‌گه، به ما خیلی خدمت کرده!
◀ جامعه زنان: همین که ما رو وارد باشگاه اختلاس گران کرده، کافیه!
◀ یک اختلاس گر: خدمتگزار، با سابقه کار در سطح کلان، آماده شروع به کار!
◀ مومیایی: قبلا اسمش خیانت نبود؟!
#بدایع_المعانی #ببخشید_فکر_بد_کردیم #شهر ونگ

عکس پرو فایل! ▶ انتشار نخستین عکس از یک سیاه‌چاله

عکسی شده چاپ با مقاله دربارۀ یک سیاه چاله کیفیت عکس هست پایین یک عکس قشنگ‌تر بینداز

ارمغان زمان فشمی #شهر ونگ

آزادراه

حضور سیاه‌چاله در سفره مردم



وحید میرزایی طنز نویس

در روزهای پایانی هفته گذشته انتشار تصاویر سیاه‌چاله‌ای با قطر ۴۰ میلیارد کیلومتر توسط دانشمندانی از سراسر دنیا، توجه مردم سراسر جهان را به خود جلب کرد. رویدادی که باعث شد تمام اخبار دنیا و شبکه‌های مجازی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. این سیاه‌چاله که به قهرمان سنگین وزن سیاه‌چاله‌های کیهان مشهور شد، در ایران نیز شبکه‌های مجازی و اخبار را تحت تأثیر قرار داد. به طوری که مردم و تمام رسانه‌ها همچون همیشه در صحنه حاضر شده و گرانی پیاز و گوشت و همچنین سیل را فراموش کرده و به علم نجوم و تأثیرات آن در سفره مردم پرداختند. در ادامه به برخی از این واکنش‌ها در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی می‌پردازیم:

IRIB_IRNN: ستاره‌شناسان

برای نخستین بار عکسی از سیاه‌چاله منتشر کردند. عکس این سیاه‌چاله غول پیکر توسط هشت تلسکوپ بزرگ ثبت شدند. ثبت این عکس که بسیار بی کیفیت و تار است در حالی هزینه بسیار هنگفتی داشته است که کشورهای رو به اضمحلال غربی خصوصاً آمریکا در فقر دست و پا می‌زنند. به همین دلیل مردم تمام کشورهای غربی در اعتراض به این اقدام و انتشار تصاویر سیاه‌چاله به خیابان‌ها ریختند و خواستار برکناری رئیس‌جمهوری فرانسه شدند. این تجمعات از طرف پلیس به خشونت کشیده شد و هزاران نفر از مردم کشته و زخمی شدند. گفتنی است؛ در ایران این سیاه‌چاله با چشم قابل دیدن بود و مردم ایران با شور و اشتیاق به انتشار تصاویر این پدیده طبیعی در شبکه اجتماعی سروش پرداختند.

Keyhan_news: طبق صدها

و حتی هزاران سند انکار ناپذیر، این سیاه‌چاله توسط جورج سوروس مأمور شده است تا با گرانش قوی که دارد کشورهای ایران و ونزوئلا را داخل خود بکشد. پرفسورهائینو فالکزه از دانشکده رادبود هلند و ایده‌پرداز این پروژه و عضواندیشکده ضد ایرانی «ناساچوست لند» که از وی به‌عنوان معمار، آرمان‌ور بند و نماکار ساختار تحریم‌های ایران نام برده می‌شود، گفته است: «با وجود این سیاه‌چاله که فاصله آن تا زمین ۵۰۰ میلیون تریلیون کیلومتر است، اهداف ما در ایران بهتر دنبال می‌شود.» گفتنی است نام نهادن این سیاه‌چاله به‌عنوان قهرمان سنگین وزن سیاه‌چاله‌های «کیهان» نیز یکی از دلایل این پروژه غرب در ایران است.

List-Omid: درست است که ما

به سیاه‌چاله‌ها اساسا اعتقادی نداریم و گمان می‌کنیم زمین گرد نیست و کاملاً صاف است، اما برای حمایت از مردم و نیز موجودات داخل سیاه‌چاله امروز با لباس آدم فضایی‌ها در اماکن عمومی و جلسات حاضر خواهیم بود.

خار مغیلان

ورژن ایرانی Game Of Thrones

سر سی: «ای خدا!!!! ... چقدر باید بکشم از دست شما؟ اون دنریس که اژدها داره، جان اسنو هم که هر وقت بمیره ملیساندرا میاد زنده‌ش می‌کنه، من و داداش سیاه بختمونیم که بی کسیم.» [سر سی شروع می‌کند به زدن روی پایش] ای رابرت خوب شد مردی و این روزا روندیدی. این بنزین من کجاست؟ داداش آخه تو به چیزی بگو! مارجرای تابرل که با فشارهای شخصی به نام سیار سریع بر ملیساندرا زنده شده است، در حالی که آب‌قند هم می‌زند به سر سی نزدیک می‌شود. مارجرای: «حرص نخورین براتون خوب نیست» سر سی آب‌قند را می‌گیرد و لاجرمه سر می‌کشد.

جیمی لنیستر که در این مدت کسی متوجه غیبتش نشده بود همراه با یک وایت واکر وارد اتاق می‌شود. همه با دیدن این صحنه فریاد می‌زنند و ز بر میز قایم می‌شوند. جیمی لنیستر: «نترسید! بیایید بیرون! من باهاشون صحبت کردم. گفتم بودجه سریال کمه. دست حاجی خالیه. خوبیتم نداره جلو در و همسایه و قلمروهای دیگه سر حطام دنیا با هم بجنگیم. حرمت موی سفید منو نگه داشتن و قبول کردن یه اژدها غنیمت بردارن به اضافه این کوتوله و برن سی زندگی خودشون.»

تیریون لنیستر: «بابا من خیر سرم شخصیت عاقل و فرزانه سریال بودم، منو ندید به اینا.»

صدای تیریون لنیستر در بین هیاهوی جمع که داشتند بلندش می‌کردند تا به وایت واکرها تحویل بدهند، گم می‌شود. وایت واکر نگاه می‌ستاصل می‌اندازد همراه با تیریون لنیستر و یکی از اژدهایان از دراگون استون خارج می‌شود. سریال با دیالوگ مهران رجبی (سر داووس) که با اشاره به دنریس و جان می‌گوید «خب مبارکه!» پس یه کاری کنیم این دو تا جون هم برن سر خونه زندگی شون» با خوبی و خوشی به پایان می‌رسد.

دیدید؟ دیدی چی گفت؟ شیطونه می‌گه به دکتر بگم به گالن بنزین دیگه هم این جا خالی کنه.»

عنایت بخشی (جیمی لنیستر) در حالی که رو به پنجره به آفاق‌های دور دست می‌نگرد، ناگهان برمی‌گردد و کتش را روی دوش جابه‌جایی کند.

جیمی لنیستر: «بر دل سیاه شیطون لعنت. بدی این روزگارینه که تا وقتی غالی همه کنارت ولی وای به حال مغلوب که همیشه تنه‌است.»

جان اسنو: «من خواهم از جمع اینه که قضیه رو جدی بگیرین. وایت واکرها پشت درن. وینتر هم این کامینگ.» سر داووس [با بازی مهران رجبی]: «پشت درن چیه پسر؟ منظورت دیواره دیگه؟»

جان اسنو: «والا چی بگم آقا داوود. دیدم هیچکی خطر رو جدی نمی‌گیره، گفتم چند تاشون رو با خودم بیارم دراگون استون. الانم پشت درن.»

سر داووس روی دستش می‌زند و لبش را می‌گزد: «!! وراثتی وایت واکر با خودت آوردی اینجا؟»

لرد واریس [رو به مادر اژدها]: «سرورم اجازه بدین برم ایکی ثانیه حسابشونو بذارم کف دستشون.»

دنریس تارگرین: «بشین سر جات توام که مصداق بارز کستینگ اشتباهی. خیر سرت جاسوس زیر ک اطلاعاتی هستی، تا ولت می‌کنن میخوای بری دعوا!»

سر سی [جیغ می‌کشد]: «عجب گیری کردیم به خدا. ببینم این «کوه» بادیگارد من کجاست؟»

جان اسنو: «با تهیه‌کننده دعواش شد، به جاش خواهر زاده شو آورد.»



آیدین سیار سریع طنز نویس

متأسفانه خبردار شدیم در فاصله یک روز مانده به پخش سریال بازی تاج و تخت مدیران شبکه اچی‌او اعلام کرده‌اند که فصل هشتم و آخر سریال به دلیل مشکلات مالی اصلاح‌نشده و امتیاز این مجموعه به تنی چند از تهیه‌کنندگان ایرانی رسیده است. این تهیه‌کنندگان نوشتن فصل هشتم را به دلیل توفیقات ارزنده بنده حقیر در فیلم مارموز (از جمله فتح گیشه از آخر) به اینجانب سپرده‌اند که یک سکاس از قسمت آخر آن بدین‌وسیله منتشر می‌گردد.

حاکمان و سران وستروس با دیدن یک وایت واکر، به‌طور کامل اپیلاسیون شده‌اند و با حضور در دراگون استون تصمیم گیری کنند. درباره آینده وستروس تصمیم گیری کنند. بازیگران و نقش‌ها به ترتیب زیر است.

دنریس تارگرین (مادر اژدها) با بازی مرجانه گلچین- سر سی لنیستر با بازی مریم امیرجلالی- جیمی لنیستر با هنرنمایی عنایت بخشی- جان اسنو با بازی شاهرخ استخری- لرد واریس با بازی صفر کشکولی- تیریون لنیستر با بازی اسدالله یکتا و مهران رجبی در نقش سر داووس.

روز- داخلی- دراگون استون جان اسنو [رو به دنریس]: «عمه خانم اگه اجازه میدین من بحث رو شروع کنم.» دنریس: «خب خبه ... هی عمه خانم عمه خانم. حالا هر کی ندونه فکر می‌کنه من چند سالمه.»

سر سی ریز می‌خندد: «شما خون خودتونو کثیف نکنین. به هر حال مادر دو تا اژدهای غول تشنن. دیگه حداقل پنجاه رودارین.»

دنریس: «شما دیگه تیکه بار ما نکن با اون روابطت.»

سر سی [رو به جیمی]: «خالان دادا!!!!!!»



شهر نگار

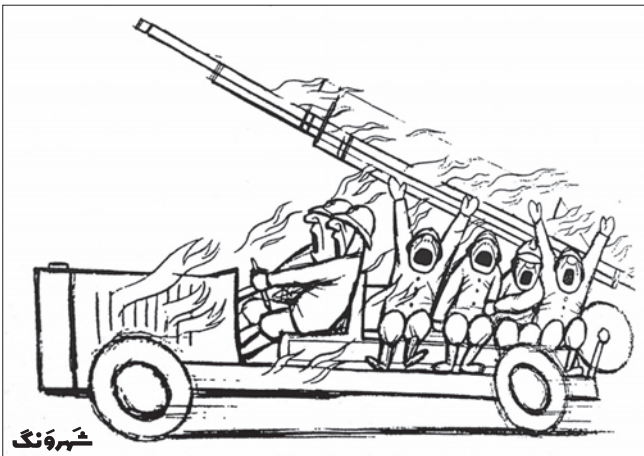
شاوال، خنده‌ای با پایان تلخ



یحیی تدین

شاوال سال ۱۹۱۵ در شهر «xuedroB» فرانسه به دنیا آمد. نام اصلی او «یوان فرانسویس لولوران» بود، اما در همه جهان به «شاوال» معروف شد. شاوال تحصیلات خود را در مدرسه هنرهای زیبای «بوردون» به اتمام رساند و مدتی هم به صفحه‌آرایی مجلات گذراند. طنزهای شاوال مانند فیلم‌های «باستر کیتون» فضاهای سرد و تا حدودی غم‌انگیز دارد. او در طول فعالیت‌های خود با بسیاری از مجلات معتبر مثل «پاری‌ماچ» و «فیگارو» همکاری داشت.

طرح‌های این هنرمند اغلب با خطوطی نسبتاً ضخیم و در کمال اقتدار شکل می‌گیرد که حتی تقلید از کارهایش را مشکل می‌کند. شاوال در یکی از آثارش خودروی آتش‌نشانی را نشان می‌دهد که به همراه همه مأمورانش در حال سوختن است؛ این نمونه‌ای از هنر شاوال است؛ درگیری بیننده با پرسوناژهایی که معمولاً راهی برای خلاصی خود از مخمصه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند، نمی‌یابند. در مجموع دنیای شاوال آکنده از حماقت‌هایی است که انسان‌ها به‌طور غریزی یا از روی اشتباه انجام می‌دهند و نهایتاً حاصلی جز تأسف به همراه ندارد. شاوال در ۱۹۶۸ با شلیک گلوله به زندگی خود پایان داد و به این تصور غلط که گویا هر که دیگران را بخنداند آدم خوشبختی است و عمر درازی خواهد داشت، خاتمه بخشید.



شهر ونگ